

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

فرستنده: علی کاظمی

۱۰/۰۹/۳۰

تفسیرهای خبری

سه شنبه ۶ مهر [میزان] ۱۳۸۹

جمهوری اسلامی در پاسخ به انفجار مهاباد چه کسانی را قتل عام کرده است؟

به اساس خبرهائی که خبرگزاری دولتی فارس و سایت سپاه نیوز از زبان دو فرمانده سپاه پاسداران منتشر نموده‌اند، نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی در یک اقدام تلافی‌جویانه دست به یک قتل‌عام زده‌اند تا انتقام انفجار شهر مهاباد را بگیرند.

سایت سپاه نیوز از قول سردار سرتیپ محمد پاک پور نوشت که نیروهای قرارگاه حمزه سیدالشهداء که وابسته به نیروی زمینی سپاه هستند موفق شدند در یک عملیات عوامل اصلی انفجار مهاباد را به هلاکت برسانند. سردار پاک پور مدعی‌ست که این عملیات پس از چند روز بررسی صورت گرفت و عناصری که به هلاکت رسیدند شناسائی و تعقیب شدند. پاکپور افزود که به این عناصر در حوالی مرز حمله شد. فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران از تعداد کشته شدگان سخنی نگفت.

پس از اظهارات پاک پور، فرمانده قرارگاه حمزه سیدالشهداء که عبدالرسول محمودآبادی نام دارد در گفت و گوئی با خبرگزاری فارس اعلام کرد که تعداد کشته شدگان در عملیات مذکور سی نفر بوده است. وی افزود که دو تن دیگر از عوامل انفجار مهاباد فراری هستند که تعقیب خواهند شد و به قول وی به سزای جنایتشان خواهند رسید.

اگر تعداد کشته شدگان عملیات نیروهای سپاه پاسداران علیه آن چه فرمانده‌هانشان عوامل اصلی انفجار مهاباد می‌نامند سی نفر یا بیش‌تر بوده باشد این بدان معناست که یا این نیروها به آن‌ها شیخون زده‌اند و آنان را در حوالی مرز کشته اند یا این که یک درگیری بین دو طرف رخ داده است.

فرمانده قرارگاه حمزه سیدالشهداء در پایان اظهاراتش از عشایر تشکر می‌کند و ادعا می‌نماید که آنان همکاری خوبی با نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی دارند.

به نظر می‌رسد که سردار محمودآبادی مانند تمامی مسؤولان کشوری و لشکری جمهوری اسلامی یا تمام واقعیت را نگفت یا دروغ‌بافی کرده است. چرا که به اساس یک خبر تأیید نشده نیروهای پاسداران اسلامی در پاسخ به انفجار مهاباد، عشاير کرد را در یک منطقه‌ی مرزی محاصره کرده و آنان را به رگبار بسته‌اند. در این جنایت نه سی نفر که بیش از دو برابر این تعداد کشته و زخمی بر جای مانده است و در میان کشته شدگان کودکان خردسال نیز وجود دارند.

اعتراف سردار محمودآبادی به مرگ سی نفر اعتراف به یک قتل‌عام دیگر است که جمهوری اسلامی با سیاست‌های کور تلافی جویانه و اسلامگرایانه قصاص مرتکبش شده است که در روزهای آینده ابعادش روشن‌تر خواهد شد.

تجمعات کارگران و معلمان

کارگران و معلمان در روزهای اخیر برای دفاع از حقوق و مطالباتشان دست به تجمع و اعتراض زدند. بیش از سی صد تن از کارگران کارخانه ریسندگی خاور رشت در برابر استانداری گیلان تجمع کردند و خواستار پرداخت هفت ماه حقوق معوق خود شدند. یکی از کارگران معترض می‌گوید که کارخانه تا ظرف دو ماه گذشته هشت تن نخ تولید کرده و به فروش رسانده و بنابر این مشکلی برای پرداخت حقوق ندارد. از سوی دیگر روز یکشنبه بیش از شش صد معلم خرید خدمتی در برابر مجلس شورای اسلامی تجمع نموده تا به وزارت آموزش و پرورش اعتراض کنند.

یکی از معلمان معترض گفت: "ما با درخواست خود این وزارتخانه به مدارس رفتیم و حالا در اوایل راه و پس از گذشت سه سال دیگر می‌گویند نیازی به حضور شما نیست."

جمهوری اسلامی که حامی اصلی کارفرمایان است کارگران و معلمان را از داشتن تشکلات مستقل خود محروم می‌کند تا راحت‌تر بتوان آنان را در منگنه انواع و اقسام اجحافات از جمله عدم پرداخت دست مزد و عدم استخدام با تمام مزایا قرار داد.

یکشنبه ۴ مهر ۱۳۸۹

ادامه مبارزه و مقاومت کارگران در برابر سرمایه‌داران

علی رغم تشدید سیاست سرکوب و گسترش خفقان در کارخانه‌ها و محیط‌های کارگری، کارگران برای دفاع از حقوق و تحقق مطالبات خویش در اشکال مختلفی دست به مبارزه می‌زنند. هفته‌ای نیست که در آن کارگران به چند اعتصاب و یا تجمع کارگری دست نزنند.

صبح روز گذشته، ۳۰۰ تن از کارگران کارخانه ریسندگی خاور رشت در مقابل استانداری گیلان دست به تجمع اعتراضی زده و خواستار دریافت حقوق‌های معوق خود شدند. کارفرمای این کارخانه، مدت هفت ماه است حقوق کارگران را پرداخت ننموده است. این درحالیست که بناء به گفته یکی از کارگران، کارخانه به لحاظ تولید و فروش محصول، مشکلی نداشته و ندارد و تا دو ماه گذشته بالغ بر هشت تن نخ تولید کرده و به فروش رسانده است. لازم به ذکر است که مدیرعامل کارخانه نیز وام هنگفتی ظاهراً برای بهبود وضعیت کارخانه گرفته است، اما تاکنون برای بهبود وضعیت کارگران این کارخانه هیچگونه اقدامی انجام نداده است.

چند روز پیش نیز جمعی از کارگران کارخانه آوند پلاستیک در قزوین، در مقابل دفتر امور اداری این شرکت دست به تجمع زدند و ضمن اعتراض نسبت به عدم پرداخت حقوق ۶ ماه سال جاری و همچنین دو ماه از سال گذشته، با

مدیریت و قسمت حسابداری کارخانه درگیر شدند. روز بعد از آن نیز ده‌ها تن از کارگران معترض کارخانه ریسندگی نازنخ از ساعت ۸ تا ۱۱ صبح در مقابل این کارخانه تعطیل شده تجمع کردند و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. یکی از کارگران در رابطه با وضعیت کارگران این کارخانه می‌گوید:

"ما کارگران طاقت‌ناپذیر تمام شده و هر کاری که از دستان برمی‌آمده انجام دادیم. همه مقامات در جریان مشکل ما هستند و بارها در مقابل دفتر رئیس جمهوری در تهران و همچنین مقابل مجلس تجمعات چند روزه داشتیم و هر بار وعده و وعید دادند تا ما را ساکت کنند اما این مشکل ما را حل نکردند."

و کارگر دیگری در رابطه با علت اعتراض و تجمع کارگران می‌گوید:

"الان من پولی برای ثبت نام فرزندم در شروع سال تحصیلی ندارم، نه کفش، نه لباس، نه کتاب و دفتر هیچ چیز خرید نکرده‌ام، نتوانسته‌ام بخرم و به همه مردم هم بدهی و قرض دارم، در حالی که ۵-۶ میلیون از حقوق خودم را طلب دارم که به من نمی‌دهند، چرا؟ ما همین حق خودمان را می‌خواهیم نه بیشتر."

همین دو سه نمونه اجتماع اعتراضی کارگری، مبارزه و پی‌گیری کارگران برای احقاق حقوق خویش، آن هم در زیر فشار و تحت شرایط شدید امنیتی، نشان‌دهنده آن است که اعتراضات کارگری به رغم تشدید فشار و سرکوب ادامه دارد. در حالی که رژیم و دستگاه امنیتی آن بر فشارهای سرکوب‌گرانه خود علیه کارگران پیشرو، از جمله فعالان و رهبران سندیکای کارگران شرکت واحد و سندیکای کارگران هفت تپه، افزوده است تا سایر کارگران را از روی آوری به مبارزه بازدارد، اما این مبارزات به حکم موقعیت و شرایطی که کارگران در آن قرار دارند، بی‌هیچ‌گونه تردیدی ادامه داشته و ادامه خواهد یافت.

اعتصابات وسیع کارگری و تظاهرات گسترده خیابانی در فرانسه

به فراخوان سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری در فرانسه، میلیون‌ها تن از کارگران و کارکنان این کشور در اعتراض به سیاست ریاضت اقتصادی دولت، از جمله افزایش سن بازنشستگی، روز پنجشنبه ۲۳ سپتامبر برابر با اول مهر، در سراسر فرانسه دست به اعتصابات و تظاهرات زدند. اعتصابات و تظاهرات کارگران و کارکنان فرانسوی که حدود سه میلیون نفر در آن شرکت داشتند، به ابتکار چند سندیکا و اتحادیه بزرگ کارگری در فرانسه مانند کنفدراسیون عمومی کار (CGT)، اتحادیه ملی سندیکاهای خودمختار (Unsa)، کنفدراسیون دموکراتیک کار (CFDT)، فدراسیون اتحادیه‌ای یکپارچه (FSU)، کنفدراسیون کارگران مسیحی (CFTC) و فدراسیون ملی حمل‌ونقل وابسته به کنفدراسیون عمومی کار، در پاریس، مارس‌سی، لیل، لیون و برخی دیگر از شهرهای بزرگ فرانسه برگزار گردید.

اعتصابات و تظاهرات پرشکوه کارگران و سایر اقشار زحمتکش مردم فرانسه در روز پنجشنبه، دومین حرکت اعتراضی و پرشمار کارگری در ماه سپتامبر است که با خواست مشخص توقف اجرای طرح ریاضت اقتصادی و به ویژه طرح افزایش سن بازنشستگی برگزار می‌شود.

طرح افزایش سن بازنشستگی بخشی از طرح دولت فرانسه برای اجرای برنامه «ریاضت اقتصادی» و مقابله با بحران شیوه تولید سرمایه‌داری در این کشور است. دولت نیکلا سارکوزی می‌خواهد هزینه بحران سرمایه‌داری این کشور را بر دوش مردم و قبل از همه بر دوش کارگران تحمیل کند. دولت دست راستی سارکوزی چندی پیش پس از ماه‌ها بحث و گفت‌وگو با اتحادیه‌ها و احزاب این کشور، و به رغم مخالفت کارگران، سرانجام لایحه ضد مردمی افزایش سن اشتغال را به پارلمان این کشور ارائه نمود و سن ۶۲ سال را به عنوان سن بازنشستگی برای

مردم این کشور اعلام کرد. این اقدام دولت، مخالفت‌ها و اعتراضات شدید و گسترده کارگران و سایر اقشار زحمتکش این کشور را در پی داشته است.

پارلمان فرانسه نیز به رغم مخالفت‌ها و اعتراضات مردم، لایحه دولت برای افزایش سن بازنشستگی از ۶۰ سال به ۶۲ سال را تصویب کرد.

کارگران و کارکنان فرانسه طرح دولت مبنی بر ریاضت اقتصادی، من جمله افزایش سن بازنشستگی را، آشکارا پایمال کننده حقوق خویش می‌دانند و مصرانه خواستار لغو آن هستند. کارگران و مردم زحمتکش فرانسه برای عقب راندن بورژوازی فرانسه و دولت آن، و برای دفاع از سطح معیشت و دستاوردهای خویش، به اعتصابات و تظاهرات گسترده و سراسری روی آورده‌اند. اعتصابات و اعتراضات کارگران و کارکنان، در عین حال از همراهی و حمایت سایر اقشار زحمتکش مردم نیز برخوردار شده است.

اعتصابات کارگری در روز پنجشنبه، بسیاری از مدارس را به تعطیلی و پاره‌ای از ادارات را به حالت نیمه تعطیلی درآورد و موجب شد تاسیستم حمل و نقل شهری و بین شهری با کمتر از نصف ظرفیتشان کار کنند و بسیاری از پروازها لغو شوند. همچنین بنا بر ارزیابی‌های سندیکاها، اکثریت مردم فرانسه حمایت خود را از این ابتکار عمل و اقدام مشترک سندیکاها اعلام نمودند.

سندیکاهای فرانسوی فراخوان‌دهنده اعتصابات و تظاهرات، طی نشستی در روز ۲۴ سپتامبر بر ادامه مبارزات خود و سازماندهی حرکت‌های بزرگتر اعتراضی تأکید نمودند و در همین راستا روز دوم اکتبر را روز بسیج و تقویت اعتراضات جدید و روز ۱۲ اکتبر را روز اعتصاب بزرگ و تظاهرات خیابانی اعلام نموده‌اند.

نخست وزیر فرانسه اعلام نموده است اعتراضات و تظاهرات کارگران و کارکنان، تغییری در برنامه ریاضت اقتصادی دولت ایجاد نخواهد کرد. کارگران و زحمتکشان فرانسه نیز هشدار داده‌اند چنانچه دولت سارکوزی بر اجرای این طرح اصرار ورزد باید منتظر اعتصابات وسیع‌تر، تظاهرات‌های گسترده‌تر و مبارزات حادث‌تری باشد. مبارزاتی که در ادامه خود می‌تواند و باید به مبارزه علیه کل نظام پوسیده سرمایه‌داری فرا برود!

شواهد موجود چنین نشان می‌دهند که دولت دست راستی سارکوزی نمی‌خواهد عقب نشینی کند. سرمایه‌داران و دولت آن‌ها در برابر کارگران و زحمتکشان ایستاده‌اند و آشکارا به کارگران زور می‌گویند و بر تشدید استثمار و تعرض به سطح معیشت کارگران و زحمتکشان اصرار می‌ورزند. کارگران و زحمتکشان نیز بر حقوق خویش پای می‌فشارند و در برابر اجحافات و زورگوئی‌های سرمایه‌داران و دولت آن‌ها، صفوف خود را متمرکزتر می‌کنند.

بدین ترتیب رودروئی و صف‌آرائی طبقاتی در فرانسه وارد مرحله جدیدی میشود. مبارزه طبقاتی در فرانسه و در قلب اروپا تازه آغاز می‌شود! مبارزه‌ای که اما در داخل مرزهای فرانسه محدود نمی‌ماند و می‌تواند بشارت دهنده شعلهور شدن مبارزه طبقه کارگر اروپا باشد.

پنجشنبه ۱ مهر ۱۳۸۹

انفجار یک بمب در مهاباد منجر به کشته و مجروح شدن ده‌ها نفر شد

انفجار یک بمب در جریان رژه نیروهای مسلح در مهاباد، منجر به کشته و مجروح شدن ده‌ها نفر گردید. خبرگزاری‌های دولتی تعداد کشته‌شدگان را ۱۲ نفر اعلام کردند که همگی زن می‌باشند. بر اساس گزارش منابع فوق بمب در قسمتی که جایگاه زنان بوده منفجر گردیده است.

خبرگزاری‌های دولتی در عکس‌العملی سریع این انفجار را با عنوان اقدام تروریستی به گروه‌های مخالف نسبت دادند. در این میان سخنگوی وزارت خارجه در مصاحبه با ایرنا گفت:

"انفجار تروریستی در مهاباد واکنش عوامل رژیم صهیونیستی و حامیان آن به اقتدار دفاعی کشور در هفته دفاع مقدس و موفقیت‌های دیپلماسی فعال جمهوری اسلامی ایران در بزرگترین عرصه بین‌المللی در نیویورک است".

اکنون بیش از سی سال است که مردم کردستان در اعتراض به تبعیض ملی و تضعیف حقوق خلق کرد مبارزه می‌کنند و در طول این سال‌ها بسیاری از عزیزان‌شان را از دست داده‌اند. در تمام این سال‌ها مبارزان کرد از جمله پیشمرگان هرگز از روش‌هایی هم چون بمب‌گذاری و یا عملیات انتحاری استفاده نکرده‌اند. اما این رژیم اسلامی بوده است که بارها دست به قتل عام زنان و مردان و کودکان بی‌سلاح در کردستان زده است. ساکنان روستای قارنا یکی از این روستاها بودند که توسط پاسداران قتل عام گردیدند.

هم چنین دولت اسلامی در کارنامه جنایات خود سوابق بمب‌گذاری زیادی نیز دارد که همواره تلاش داشته تا با این بمب‌گذاری‌ها و انگشت اشاره به مخالفان خود، دولت خود را قربانی تروریسم معرفی کند.

اتفاقاً درست در زمانی که احمدی‌نژاد در نیویورک به سر می‌برد و خلاف گفته سخنگوی وزارت خارجه، این سفر وی یک افتضاح سیاسی دیگر برای حکومت اسلامی به بار آورده است، این بمب‌گذاری تنها می‌تواند توسط این دولت مورد بهره‌برداری قرار گیرد و هیچ کدام از گروه‌های مبارز کرد دست به چنین اقداماتی نمی‌زنند.

هم چنین در روزهای قبل از این انفجار درگیری‌های مسلحانه‌ای در شهر سقز روی داده است. در یکی از این درگیری‌ها یک کودک ۴ ساله به نام متین ابراهیمی جان خود را از دست داد که منجر به تأسف عمیق مردم شهر گردید. پس از این جنایت که توسط نیروهای امنیتی صورت گرفت، شهر سقز شاهد حضور چشم‌گیر نیروهای امنیتی شد که از اعتراض مردم به کشته شدن کودک ۴ ساله در هراس بودند.

به نظر می‌آید که یکی از اهداف این بمب‌گذاری که وزارت اطلاعات رژیم و نیروهای امنیتی آن متهم شماره یک آن هستند، استفاده از آن در راستای تشدید فضای امنیتی و سرکوب در کردستان است.

حکومت اسلامی در کردستان از شرایط خوبی برخوردار نیست و اعتراضات گسترده‌ای در کردستان نسبت به حکومت و اعمال و رفتار آن وجود دارد.

به اساس برخی از گزارش‌ها تعداد کارگران جان باخته در حادثه انفجار خط لوله گاز سرخس

دوازده نفر می‌باشد

در پی وقوع این انفجار، مقامات دولتی در ابتداء تعداد کشته‌شدگان را تنها چهار نفر اعلام کردند، اما طولی نکشید که این رقم به ۹ نفر افزایش یافت. یک روز بعد نیز مسؤول اورژانس کشور از جان باختن یکی دیگر از مجروحان حادثه خبر داد.

علیرضا غریبی مدیر عامل شرکت مهندسی و توسعه گاز در روز حادثه و در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس، در مورد تعداد کشته‌شده‌گان حادثه به صورت مبهم صحبت کرده و گفته بود: "مجموع افرادی که در این مکان اعم از تکنسین فنی، کارگران، جوشکاران و پیمانکارانی که در این مکان مشغول به کار بودند ۲۵ نفر بودند که ۱۶ نفر از این افراد با چرخبال به بیمارستان امام رضا مشهد منتقل شدند که شش نفر از این افراد پس از چند ساعت مرخص شدند و ۱۰ نفر نیز تحت مداوا قرار گرفتند." وی در ادامه گفته بود: "حدود ۹ تا ۱۰ نفر در این حادثه کشته شدند که جست‌وجو برای پیدا کردن کشته‌ها ادامه دارد." او در حالی ادعای جست‌وجو برای یافتن سایر اجساد را اعلام کرده

بود که پیش از این مقامات دولتی از انتقال ۲۵ نفری که در محل انفجار حضور داشتند خبر داده بودند، این مقامات اعلام کرده بودند که از این میان ۹ نفر کشته و ۱۶ نفر در بیمارستان بستری شده‌اند.

اما در این میان تازه‌ترین اخبار حاکی از جان باختن ۱۲ کارگر است. به اساس همین گزارشات مراسم خاکسپاری ۹ تن از کارگران فوق روز سه‌شنبه در هفشان از توابع شهرکرد و با حضور هزاران نفر از مردم برگزار گردیده است.

تاکنون هیچ گزارشی در مورد علت انفجار فوق منتشر نگردیده و این در حالی است که قرارگاه خاتم الانبیا وابسته به سپاه پاسداران مجری پروژه فوق می‌باشد.

حوادث کار روزانه از کارگران زحمتکش ایرانی قربانی می‌گیرند.

پیش از این، در جریان انفجار در پتروشیمی پردیس واقع در منطقه عسلویه در روز ۱۳ مرداد نیز بناء برگزارش خبرگزاری‌های دولتی ۵ کارگر کشته و یک نفر به شدت مجروح گردیده بود. اما از آمار واقعی کشته‌شدگان این حادثه نیز اخبار موثقی وجود ندارد. علت و مقصر اصلی این انفجار نیز هنوز مشخص نگردیده است، همان طور که انفجار در مجتمع شازند اراک نیز که منجر به کشته شدن ده‌ها کارگر گردید هرگز مشخص نشد.

کارگران که قربانیان اصلی حوادث ناشی از کار هستند در اکثر موارد از سوی بازرسان به اصطلاح دولتی مقصر شناخته می‌شوند و عموماً این حوادث به بی احتیاطی کارگران نسبت داده می‌شود. این در حالی است که دولت و کارفرمایان مقصر اصلی حوادث ناشی از کار می‌باشند.

آمار حوادث ناشی از کار در ایران نسبت به کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری بسیار بالا می‌باشد و علت اصلی این موضوع را می‌توان نتیجه مستقیم بی حقوقی کارگران در ایران دانست. کارگران ایران به دلیل آن که فاقد هر گونه تشکل مستقل هستند، قادر به پیشبرد خواست‌های خود در برابر سرمایه‌داران نیستند و این سرمایه‌داران هستند که با حمایت دولت و قانون روز به روز شرایط را برای کارگران سخت‌تر می‌کنند.

در این رابطه می‌توان به استفاده از کارگران غیرماهر و عدم آموزش آنها اشاره کرد. کارفرمایان برای کسب سود بیشتر از کارگران ارزان قیمت که دارای مهارت لازم نیستند استفاده می‌کنند که این موضوع منجر به بروز حوادث ناشی از کار می‌گردد.

نمونه دیگر می‌توان به عدم استفاده از وسایل ایمنی خوب و نیز ابزار مناسب اشاره کرد که یکی دیگر از علت‌هایی است که منجر به بروز حادثه و بالا رفتن میزان خسارات جانی برای کارگران می‌گردد.

مورد دیگر خستگی کارگران است که مجبورند برای تأمین معاش خود ساعات زیادی اضافه کاری کنند و همین موضوع یکی از عواملی است که حوادث ناشی از کار را سبب می‌گردد. دستمزدهای کنونی کارگران یکی از معضلات بزرگ آن‌ها می‌باشد.

هم چنین کارگران ساختمانی یکی از بزرگترین گروه‌های کارگری هستند که در معرض خطر حوادث ناشی از کار قرار دارند که هنوز و پس از گذشت سال‌ها موضوع بیمه کارگران فوق در پیچ و خم بوروکراسی حاکم گیر کرده است.

سه شنبه ۳۰ شهریور ۱۳۸۹

وضعیت ویژه یا وخامت اوضاع اقتصادی

محمد نهاوندیان، رئیس اتاق بازرگانی ایران گفته است که تعداد چک‌های برگشتی به سطح سال ۱۳۵۷ رسیده است. وی که در جلسه کمیسیون رؤسای اتاق‌های بازرگانی کشور سخن می‌گفت از دولت خواست تا هزینه تحریم‌های اقتصادی را که شدت گرفته‌اند، تقبل کند تا به گفته وی نشاط و امید حفظ گردد. وی این وضعیت را ویژه توصیف کرد.

نهاوندیان مدعی ست که تعداد چک‌های برگشتی در سطح سال ۱۳۵۷ است، احتمالاً منظور وی این است که نسبت چک‌های برگشتی به همان نسبت سال تأسیس جمهوری اسلامی ست که رسالتی به جز ادامه نظم اقتصادی سرمایه‌داری در هارترین شکلش نداشت. رژیم‌ی که با انحلال شوراهای کارگری برآمده از قیام همان سال دست و بال سرمایه‌داران را بازتر از دوران پیشین کرد، رژیمی که کارگران و دیگر زحمتکشان را از حق داشتن تشکل مستقل برای دفاع از حقوق‌شان محروم کرد، خانه کارگر را اشغال نمود و شوراهای اسلامی کار را بنیان گذاشت که در خدمت دولت و سرمایه‌داران باشند.

اما بالاخره سطح چک‌های برگشتی چقدر است؟ بر اساس آماری که بانک مرکزی منتشر کرده است بیش از یک میلیون و هشتصد و هفتاد هزار چک در چهار ماه اول سال جاری برگشت خورده است که مبلغ آن‌ها بالغ بر هشت تریلیون و پانصد میلیارد تومان بوده است. بانک مرکزی تأکید می‌کند که این چک‌های برگشتی نسبت به دوره مشابه سال پیش ۳۷ درصد افزایش داشته‌اند.

نهاوندیان، رئیس اتاق بازرگانی ایران سطح چک‌های برگشتی را به همراه تحریم‌ها از عوامل بحران و وخامت در اوضاع اقتصادی برمی‌شمرد و از دولت می‌خواهد که با تقبل هزینه آن‌ها نشاط و امید را برگرداند. البته دولت اگر بخواهد هزینه‌ای را تقبل کند تا تجار و دیگر سرمایه‌داران دوباره امیدوار و بانشاط شوند بارش را به دوش مردم می‌اندازد و مثلاً با اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها از مردم می‌گیرد و به سرمایه‌داران می‌دهد.

نظام اقتصادی ایران به عنوان حلقه‌ای از نظام اقتصادی سرمایه‌داری جهانی بیش از پیش در بحران فرو می‌رود، سیاست‌های اقتصادی جمهوری اسلامی به همراه تحریم‌های اخیر که از سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی منبعث‌اند این بحران را چنان حادث کرده است که سطح چک‌های برگشتی و بی محل به ارقامی چنین نجومی رسیده است و اختلاف و شکاف طبقاتی را در ایران بیش‌تر از همیشه نموده است.

بازگشت نشاط و امید نه برای سرمایه‌داران و بازرگانان، آن طور که آقای نهاوندیان مطالبه می‌نماید، بلکه برای میلیون‌ها خانواری که اکنون آه ندارند که با ناله سودا کنند فقط در صورتی میسر است که نظام اقتصادی ایران مانند نظام سیاسی‌اش زیر و رو گردد و آنان که خود آفریننده ثروت‌اند، امور اقتصادی را نیز به دست گیرند و نه یک مشت سرمایه‌دار و تاجر.

محکومیت یک زن برای بزرگداشت روز زن

رژیم زن‌ستیز جمهوری اسلامی بار دیگر به قوانین زن‌ستیزش اتکاء کرد تا بتواند فاطمه نصیرپور را به جرم بزرگداشت روز هشت مارچ، روز جهانی زن محکوم کند. این در حالی‌ست که محمود احمدی‌نژاد که برای شرکت در اجلاس سازمان ملل متحد به نیویورک رفته است این "ادعای ابلهانه" را کرده که در ایران همه مخالفان آزادند. روز دوشنبه بیست و نهم شهریور خبر رسید که دادگاه اسلامی مرند فاطمه نصیرپور را به جرم انتشار ویژه‌نامه تشکل دانشجویی آرمان دانشگاه آزاد تبریز با عنوان "آذربایجان قادیانی" یا زن آذربایجانی مجرم شناخته و به شش ماه حبس تعزیری محکوم نمود.

نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی در اسفند ماه گذشته به چاپخانه نشریه مذکور حمله کردند و سپس فاطمه را نیز دستگیر نمودند.

هر چند این نشریه با یورش مأموران و توقیفش اصلاً پخش نشد اما دادگاه اسلامی مرند فاطمه نصیرپور را به جرم تبلیغ علیه نظام محکوم نمود.

جمهوری اسلامی که در زن‌ستیزی و پایمال ابتدائی‌ترین حقوق زنان شهره‌عام و خاص است و به اکثریت زنان ایران که خواهان رهایی از زندان متحرکی به نام حجاب اسلامی‌اند روزمره تعرض می‌کند بیش از سه دهه است که نتوانسته نمادهای مبارزاتی مانند روز جهانی زن روز هشت مارچ را ریشه‌کن کند و به همین جهت به بهانه‌های واهی افرادی مانند فاطمه نصیرپور را دستگیر و محکوم می‌کند.

اکنون دیگر بر همگان آشکار شده است که بدون جنبش برابری خواهانه زنان و بدون مبارزات آنان و بدون پشتیبانی مردان از مبارزات زنان، پیروزی مبارزه عمومی علیه جمهوری اسلامی غیرممکن است.
